Fegh\_072\_13981219

بسم الله الرحمن الرحیم

درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری

جلسه ۷۲: دوشنبه ۱۹ اسفند ۹۸

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

و به نستعین انه خیر ناصر و معین الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین من الآن الی قیام یوم الدین

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطاهرین

اللهم کل لولیک الحجة بن الحسن صلواتک علیه و علی آبائه فی هذه الساعة و فی کل ساعة ولیاً و حافظاً و قاعداً و ناصراً و دلیلاً و عیناً حتی تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فیها طویلاً

ما در مورد عده داشتن و نداشتن زنی که رحمش را در آورده باشند صحبت می‌کردیم. کلام آقای مؤمن را در رسالة مستقلی که در این زمینه نوشته بودند بررسی می‌کردیم، عرض کردیم که ایشان از بعضی روایات استفاده شده بود که اصل اوّلی در زن‌ها این هست که همه عده داشته باشند این را از روایاتی دال بر این معنا باشند انکار کردند و ما هم پذیرفتیم، همین‌جور است، روایت دال بر این معنا نیست. البته ما برخلاف ایشان از آیة قرآن و عده‌دار بودن این مرئه را استفاده کردیم که حالا رفعش را بعداً دوباره برمی‌گردم بیشتر توضیح می‌دهم. ولی در مورد روایات مطلب ایشان را پذیرفتیم. آقای مؤمن دستجاتی را از روایات را ذکر می‌کنند که از آن استفاده می‌شود زنی که رحمش را در آورده باشند عده ندارد.

یک دسته، دسته‌ای است که با تعبیر لَا تَحْبَلُ‏ مِثْلُهَا لَا عِدَّةَ عَلَيْهَا، با این تعبیر وارد شده. ایشان می‌فرماید: فمنها ما عن الکافی و التهذیب باسنادٍ صحیح عَنْ صَفْوَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حُكِيمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: الَّتِي‏ لَا تَحْبَلُ‏ مِثْلُهَا لَا عِدَّةَ عَلَيْهَا.

بعد بحث سندی می‌کنند که من بحث سندی‌اش را کار ندارم. و عمده‌اش به بحث دلالی روایت می‌پردازم. آقای مؤمن می‌فرماید:

«امّا دلالته فقد حكم بأنه لا عدّة على «الّتي لا تحبل مثلها» فجعل موضوع حكم انتفاء العدة ان لا تكون المرأة داخلة تحت عنوان «الّتي لا تحبل مثلها» فيعمّ ما نحن فيه و يقتضي أن لا يكون عدّة على من انقلعت رحمها.

بعد ایشان می‌فرماید که، اینجوری تعبیر می‌کنند: بيانه أنّه تارة لا تحبل امرأة، و يحتمل فيها أن يكون لخصوصية شخصية عارضة ربما ترتفع بمرّ الزمان فيحتمل ارتفاعها كلّ آن، فعدم الحبل ان إذا كان من هذا القبيل فلا اثر له في انتفاء العدّة، لكنه تارة يكون مستندا إلى جهة واضحة‌ هي توجب ان لا تحمل كلّ امرأة وُجدت فيه هذه الجهة، و يصحّ ان يقال انّ هذه المرأة لا تحبل مثلها، فهذه هي موضوع الحكم في الحديث، فحينئذ هذه المرأة و مثلها إذا طلّقت فلا عدّة عليها.

و هذا كما في الصغيرة التي لم تبلغ، و العجوز التي جازت سنّ المحيض، و كالمرأة التي قلعت رحمها من رأس، فهي أيضا داخلة تحت عموم الموضوع فيعمها الحكم بلا اشكال.»

ما در جلسات قبل در این مورد صحبت کردیم که مراد از لا تحبل مثلها، مثلها فی السن هست و مراد از حامله شدنش هم، این هم یک ضابطه، این را هم عرض کردیم که این یک ضابطة شرعی هم هست، یعنی اینجور نیست که یک ضابطه‌ای باشد که عرف به این ضابطه ؟؟؟ ۶:۰۴ داشته باشد، حالا توضیحش را عرض می‌کنم.

آقای مؤمن می‌فرمایند که کسی که رحمش را قلع کرده باشند این زن با این خصوصیات خاص مماثلش حامله نمی‌شود. صحبت سر این هست که چرا جهت مماثلت را این صنف خاص شما در نظر گرفتید.

چرا جهت مماثلت را شما مماثلت در این صنف خاص در نظر گرفتید؟ مماثلت در سن هم می‌تواند مطرح باشد. به هر حال یک کسی که ۳۰ سالش است، زن‌های ۳۰ سالة دیگر مماثلش هم هستند، در همین سن هم هستند. هر چند اگر مماثلت در صنف خاص را در نظر بگیریم این مماثلش نیستند، ولی مماثلت در سن را در نظر بگیریم مماثلش هستند. چرا شما این مماثل را، مماثل از جمیع جهات در نظر می‌گیرید؟ نه، از یک جهت خاص مماثلت باشد کافی هست. وقتی که چنین شد، ما که می‌گفتیم به هر حال باید جهت مماثلت روشن باشد و این جهت مماثلت با بیاناتی که، تقریباتی که در جلسات قبل عرض کردیم می‌گفتیم مراد مماثلت از جهت سن است. تقریباتی که در جلسات قبل گذشت. ولی منهای آن جهاتی که در جلسات قبل عرض کردیم می‌خواهم بحث را دنبال کنم. همین‌که فی الجمله مماثلتی وجود داشته باشد، اگر مماثل مطلق مماثلت باشد زن ۳۰ ساله‌ای که رحمش را در نیاورده باشند با زن ۳۰ ساله‌ای که رحمش را در آورده باشند از جهت سن مماثل هستند. بنابراین، این نکته را هم ضمیمه بکنم این‌که لا تحبل مثلها مراد این هست که هیچ یک از مماثل‌هایش حامله نمی‌شود، و الا اگر بعضی از مماثل‌هایش حامله بشوند، بعضی مماثل‌هایش حامله نشوند این حکم دیگری دارد. روی بعضی روایات این موضوع را مطرح کرده، مربوط به عده نیست، مربوط به نحوة طلاق دادن هست. قبلاً روایتش را هم خواندیم، ولی یک بار دیگر من این روایت را اشاره کنم بد نیست. روایت ۴۰۱۴۳، جلد ۲۷ جامع احادیث، باب ۱۶ از ابواب طلاق، حدیث ۱. البته عبارت جامع احادیث یک مقداری افتادگی داشت که ما به تناسب افتادگی این روایت را آورده بودیم، ولی عبارت کاملش را به نقل از کافی و تهذیب می‌خوانم:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ يُسْتَرَابُ بِهَا وَ مِثْلُهَا تَحْمِلُ‏ وَ مِثْلُهَا لَا تَحْمِلُ‏ وَ لَا تَحِيضُ وَ قَدْ وَاقَعَهَا زَوْجُهَا كَيْفَ يُطَلِّقُهَا إِذَا أَرَادَ طَلَاقَهَا قَالَ لِيُمْسِكْ عَنْهَا ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ ثُمَّ يُطَلِّقُهَا

این موردی که مثلها تحیض و مثلها لا تحیض، یعنی بعضی از مماثل‌هایش تحیض، بعضی از مماثل‌هایش لا تحیض، بعضی از مماثل‌هایش تحبل، بعضی از مماثل‌هایش لا تحبل، این عده دارد و نحوة طلاقش هم این نیست که بلافاصله بشود طلاقش داد، مثل یائسه نیست که در هر زمان بشود طلاقش داد، باید یک مدتی طبق این روایت سه ماه صبر کند و بعد طلاقش بدهد. این‌که التی لا تحبل مثلها، یعنی هیچ یک از مماثل‌هایش حامله نمی‌شوند. البته حامله نمی‌شوند قبلاً هم معنا کردیم، حامله نمی‌شوند یعنی این‌که امکان حامله شدن در مورد آنها وجود ندارد.

اینجا بحث این هست که زن ۳۰ ساله‌ای که رحمش را در آوردند با زن ۳۰ ساله‌ای که رحمش را در نیاورده‌اند از جهت سن مماثل است. پس بنابراین چرا شما مماثلت را با مماثلت در صنف خاص معنا می‌کنید؟ همین مقداری که مماثلت از جهت سن باشد کافی هست برای این‌که این مماثلت، مثلها صدق بکند. پس این‌که مماثلت را حتی در صنف را هم معتبر بدانید از این روایت استفاده نمی‌شود.

در مورد مماثل در سن هم شارع مقدس یک سنی را تعیین کرده، این سن گفته از این سن به بعد شخص احکام خاصه‌ای را برایش بار می‌کند، مثلاً زنی که ۹ سالش است یک روز کمتر با یک روز بیشترش که فرق واقعی ندارد، یعنی عرفاً که بین اینها تفاوت ندارد. آقای مؤمن کأنّ می‌خواهند بگویند که دو تا مصداق در زمان صدور روایات وجود داشته، آن برای المرأة التی لا تحبل مثلها، یکی الصغیرة الفقیرة، یکی الصغیرة التی لم تبلغ و لعجوز التی جاوز سن المحیض. صحبت سر این است که صغیره‌ای که لم تبلغ، این‌که مثلها لا تحیض، مثلها مثلاً ۹ سال، این‌که یک روز قبلش با یک روز بعدش با اینها تفاوت دارد به آن معنایی که شما برای مثل معنا می‌کنید؟ نه، مراد از مثلها یعنی سنی که شارع در مورد این سن این حکم را صادر کرده که حائض نمی‌شوند. یعنی حائض نشدن هم یک حکم شرعی هست که شارع بار کرده، نه یک حکم عرفی. و الا همین خون با همین مشخصات اگر زن این خون قبل از ۹ سال ببیند حکم به حیض بار نمی‌شود ولی همین خون بعد از ۹ سال یقین داشته باشیم که سن زن ۹ سال است. یک روز قبلش اگر این خون را ببیند این حکم به حیض نمی‌شود. لا تحیض یعنی شرعاً لا تحیض. حالا این در مورد لا تحیض هست. در مورد لا تحیض شاید آنجا این بحث را مطرح می‌کردم بهتر بود.

این‌که المرأة التی لا تحبل مثلها مراد این هست که مرئه‌ای که یائسه شده باشد. در مورد این روایت محمد بن مسلم که آقای مؤمن آوردند یک نکته‌ای هم که وجود دارد ما قبلاً اشاره کردیم که ظاهراً این روایت یک نقل دیگری که هست این دو تا یکی هستند.

صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حُكِيمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام

این روایتی که آقای مؤمن نقل کردند رقم ۴۰۴۶۳ جامع الاحادیث، رقم ۸ از باب ۲، ج۲۷، ص۲۰۷ است.

قال التی لا تحبل مثلها لا عدة علیها.

ما عرض می‌کردیم که این ظاهراً همان روایت دیگری هست که: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام يَقُولُ فِي الَّتِي قَدْ يَئِسَتْ مِنَ‏ الْمَحِيضِ‏ يُطَلِّقُهَا زَوْجُهَا قَالَ قَدْ بَانَتْ مِنْهُ وَ لَا عِدَّةَ عَلَيْهَا.

این لا تحبل مثلها با التی قد یئست من المحیض به نظر می‌رسد یک موضوع، نقل به معنایی اینجا صورت گرفته باشد و یکی هستند، متفاوت نیستند.

بنابر این‌که اینها را هم یکی بدانیم هم که مطلب خیلی روشن‌تر هست که التی لا تحبل مثلها، ناظر به کسی هست که یائسه شده باشد.

خلاصة کلام ما وجهی ندارد که لا تحبل مثلها را اختصاص بدهیم به زنی که مماثلتش، یعنی مثلها را مماثلتش در جمیع جهات، حتی از جهت صنف خاص هم مماثلت داشته باشد. این یک روایت.

یک سری روایت‌های دیگری را ایشان بحث کرده حالا من آن روایت‌ها را خیلی به آن کار ندارم.

یک طایفة ثانیه‌ای که ایشان به آن تمسک کردند، الطائفة الثانیة ما تدلّ علی أنّ من لا تحیض مثلها لا عدّة علیها منها صحیحة حماد بن عثمان ابی عبدالله علیه السلام قال سألته عن التی قد یئست من المحیض و التی لا تحیض مثلها قال لیس علیها عدة.

اینجور التی لا تحیض مثلها.

من جمله از این روایاتی که دارد التی لا تحیض مثلها هست. حالا من این روایت حماد بن عثمان را فعلاً کاری‌اش، یک بحثی در روایت‌های دیگر هست که در روایت حماد بن عثمان هم بهتر است در روایت دیگر بحث را دنبال کنم بهتر هست.

یکی هم روایت: «عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام ثَلَاثٌ‏ يَتَزَوَّجْنَ‏ عَلَى‏ كُلِّ حَالٍ

این روایت عبد الرحمن بن حجاج سابقاً یک بحث‌هایی داشت که لیس علیها، چطور علیها تعبیر شده، اینجا که دو تا سنخ هست. التی قد یئست من المحیض و التی لا تحیض مثلها چطور شده علیهما بوده چی بوده آن یک بحث‌هایی دارد که به خاطر همین من به این روایت خیلی الآن وارد بحث‌هایش نمی‌شوم. بحث را در بعضی روایت‌های دیگری که در این مورد وارد شده نسبت به آنها بحث را دنبال می‌کنم.

یک روایت صحیحة زرارة عن ابی عبد الله علیه السلام هست. در صحیحة زرارة عن ابی عبد الله دارد: فِي الصَّبِيَّةِ الَّتِي لَا تَحِيضُ مِثْلُهَا وَ الَّتِي قَدْ يَئِسَتْ مِنَ الْمَحِيضِ قَالَ لَيْسَ عَلَيْهِمَا عِدَّةٌ وَ إِنْ‏ دُخِلَ‏ بِهِمَا.

یک سری بحث‌های سندی در این مورد ایشان کردند که من حالا بحث‌های سندی‌اش را کار ندارم. می‌گوید این ممکن است صحیحه نباشد. ولی حالا مضمونش را فعلاً می‌خواهم مورد بحث قرار بدهم. آن این است که ایشان می‌گویند که فِي الصَّبِيَّةِ الَّتِي لَا تَحِيضُ مِثْلُهَا: این التی لا تحیض مثلها در واقع می‌خواهد علت حکم را بیان کند، بگوید صبیه‌ای که مثلش حیض نمی‌بینند. این و همچنین زنی که قد یئست من المحیض اینها عده ندارند. بنابراین کأنّ تمام الموضوع التی لا تحیض مثلها است. صبیه بودن موضوعیت ندارد. ما می‌خواهیم بگوییم که نه، التی لا تحیض مثلها شما این را مفروغ عنه، تمام این استدلالات ایشان مبتنی بر این هست که مراد از مثلها مماثلت در صنف خاص است. ولی اگر مراد از مماثلت، مماثلت در سن باشد. به اینها نمی‌شود تمسک کرد. فی الصبی التی لا تحیض مثلها اشاره به این هست آن چیزی که عرفاً کودک شمرده می‌شود. کودک یک کودک شرعی است، یکی کودک عرفی. الصبیة التی لا تحیض مثلها در واقع می‌گوید آن که کودک شرعی است، یعنی هنوز بالغ نشده است. لا تحیض مثلها یعنی در سنی هست که به هیچ وجه در این سن حیض در آن مطرح نیست. یعنی شارع مقدس لا تحیض مثلها یعنی شرعاً حکم به حائض شدن این زن نمی‌شود. دختری که به ۹ سال رسیده باشد، اگر خونی ببیند، این خون حکم به حیض می‌شود. ولی دختری که به ۹ سال نرسیده باشد این حکم به حیض نمی‌شود. این فی الصبیة التی لا تحیض مثلها مراد قطعاً و همچنان که از روایت دیگر استفاده می‌شود دختری نیست که از سن بلوغ گذشته باشد، مثلاً ۱۰ سالش باشد ولی مثلاً هم‌قطارهایش حیض نبینند. فامیلش حیض نبیند، امثال اینها. نه، لا تحیض مثلها یعنی در سنی هست که شرع در آن سن دختر را حائض نمی‌داند. پس فی الصبیة التی لا تحیض مثلها مراد این هست. مراد که این باشد، این ربطی به این بحث ما ندارد. لا تحیض مثلها این‌که مربوط به سنی هست که شارع مقدس در این سن، این سن را ملاک قرار داده برای این‌که شخص حیض می‌بینید یا حیض نمی‌بیند. یعنی لا تحیض مثلها شرعاً و این هیچ ارتباطی به بحث ما ندارد. عرض کردم دختری که ۹ سال می‌شود آیا از جهت تکوینی بین ۹ سال و یک روز، و ۹ سال و یک روز کمتر، یک روز فاصلة بعد از این‌که ۹ سالش شد، یک روز قبلش اگر خون ببیند این خون حیض نیست، یک روز بعدش حیض است، تکویناً که اینجور نیست، بین این دو تا خون تفاوت داشته باشد. نه، شارع مقدس حکم شرعی به این حکم کرده است شرعاً که خونی که قبل از ۹ سال باشد حیض نیست، همین خونی که واجد اوصاف هست اگر بعد از ۹ سال واقع شده باشد حیض است. این ناظر به این بحث هست. و التی یئست من المحیض هم همین، اینجور نیست که شخصی که بعد از ۵۰ سال، اگر با همة اوصاف خون ببیند، ۵۰ سال برای غیر قرشیه و ۶۰ سال برای قرشیه، بعد از ۵۰ سال یا ۶۰ سال خون ببیند. همین خون اگر یک روز قبل دیده می‌شد حیض تلقی می‌شد، ولی حالا که یائسه شده حیض تلقی نمی‌شود. یائسه شدن و یائسه نشدن یک حکم شرعی است که شارع مقدس بار کرده. یعنی سنی که شارع مقدس در این سن حکم به یائسه بودن کرده است به اعتبار این‌که نوعاً زن حیض نمی‌بیند. چون زن حیض نمی‌بیند شارع مقدس این را حکم کرده است که خونش حیض نیست. یعنی لا تحیض مثلها یعنی خونی که، زنی که در این سن قرار دارد حکم به حیض بودنش نمی‌شود.

و منهنا یظهر آقای مؤمن این روایت را که رسیدند، ما به روایت عبد الرحمن بن حجاج تمسک می‌کردیم برای این‌که این مماثلتی که در این روایات هست مراد مماثلت در سن است.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام ثَلَاثٌ‏ يَتَزَوَّجْنَ‏ عَلَى‏ كُلِّ حَالٍ الَّتِي لَمْ تَحِضْ وَ مِثْلُهَا لَا تَحِيضُ قَالَ قُلْتُ وَ مَا حَدُّهَا قَالَ إِذَا أَتَى لَهَا أَقَلُّ مِنْ تِسْعِ سِنِينَ وَ الَّتِي لَمْ يُدْخَلْ بِهَا وَ الَّتِي قَدْ يَئِسَتْ مِنَ الْمَحِيضِ وَ مِثْلُهَا لَا تَحِيضُ قُلْتُ وَ مَا حَدُّهَا قَالَ إِذَا كَانَ لَهَا خَمْسُونَ سَنَةً.

این روایت را ما سابقاً در موردش بحث کردیم که این روایت ازش استفاده می‌شود که ملاک در مماثلتی که اینجا موضوع قرار گرفته مماثلت در سن هست. این روایت تصریح می‌کند که حد این مماثلت، مماثلت در سن هست. این مماثلتی که اینجا مطرح هست و حد برایش تعیین شده، حد شرعی است. نه یک امر عرفی هست. بنابراین این را شما نمی‌توانید در بحث مماثلت‌هایی که نسبت به قلع رحم هست آنها را هم حکم را تعدی بدهید. آقای مؤمن یک بیانی در ذیل این دارد.

من عبارت ایشان را می‌خوانم در مورد این بیان می‌خواهم یک مقداری صحبت کنم. ایشان می‌فرماید که در مورد معتبر عبد الرحمن بن حجاج، می‌گوید:

بيان الاستدلال به انّ العناوين الثلاث و لا سيّما بعد التفسير المذكور فيه و ان لم يعم شي‌ء منها ما هو محل الكلام، إلّا انّه مع ذلك فليس ببعيد دعوى انّ المفهوم منها انّ من لا تحيض مثلها فليس عليها عدّة، و العنوانان المذكوران فيه مصداق لهذا الكلّي، و لا خصوصية لعدم البلوغ سنّ الیأس، و لا للخروج عنه، بل تمام الموضوع لنفي الاعتداد هو ان تكون ممن لا تحيض مثلها، و هو عامّ لمحلّ الكلام.

و بعبارة اخرى: إنّ تعليق الحكم على عنوان «التي لا تحيض و مثلها لا تحيض» شاهد على أنّ تمام الملاك و العلة لانتفاء العدة إنّما هو كونها لا تحيض و مثلها لا تحيض، لا أنّ ملاك الحكم هو السن الخاص، و إلّا كان المناسب أن‌ يقول «التي لم تبلغ، و التي جاوزت الخمسين» فالعدول إلى ما في الحديث و لا سيّما تكرار جملة «و مثلها لا تحيض» فيه شهادة واضحة على ما ذكرنا.

ایشان می‌گوید اگر قرار بود ملاک سن خاص بود چرا شارع مقدس اینجوری تعبیر پیچ‌دار کأن تعبیر کرده باشد. التی لا تحیض و مثلها لا تحیض. یا التی لم تحض و مثلها لا تحیض. این تعبیر به چه جهت ذکر شده؟ ما قبلاً این را توضیح دادیم در موردش. به دو بیان می‌توانیم این روایات را توضیح بدهیم. به نظر می‌رسد که این روایت، این‌که تعبیرات را به این تعبیر، تعبیر کردند در واقع، اوّلاً ناظر به رد، به دو بیان می‌توانیم بحث را مطرح کنیم. یکی این‌که این می‌خواهد حکمت جعل حکم را بیان کند. می‌خواهد روایت این را مطرح کند، می‌گوید اوّلاً این‌که برای یک عده‌ای از زن‌ها عده ثابت شده و برای یک عده‌ای از زن‌ها عده ثابت نشده، این وابسته به حیض دیدن و حیض ندیدن آنها است. زن‌هایی که حیض نمی‌بینند آنها عده ندارند. زن‌هایی که حیض می‌بینند آنها عده دارند. ولی این حیض دیدن و حیض ندیدن حکمت جعل است نه علت جعل. یعنی عدم تَحیّض نوعیه ملاک است نه عدم تحیّض شخصیه. این روایت می‌خواهد این را مطرح کند، یک زنی که قطعاً این زن حیض نمی‌بیند، در نتیجه قطع داریم حامله نمی‌شود. این موضوع نیست. موضوع عدم تحیّض نوعیه است. البته آن نوعیتی که در این عدم تحیض ملاک قرار داده شده، آن نوعیت را ذیل روایت توضیح می‌دهد که شارع مقدس برای آن نوعیت که نوعیت به لحاظ سن است یک حد مشخصی تعیین کرده. در ابتدا ۹ سال و در انتها ۵۰ سال را حد قرار داده. این روایت علتی که خود ۹ سال و ۵۰ سال را موضوع قرار نداده به دلیل این‌که می‌خواست علت ثبوتی حکم یا به تعبیری دیگر حکمت ثبوت این حکم را هم بیان کند. علت این هست، این نه به جهت این‌که می‌خواهد ملاک را مماثلت قرار بدهد. آن نکته‌ای را که عرض کردیم اینجا مماثلتی که در این روایت ملاک قرار داده شده، مماثلت در سن است. این روایت مفهوم دارد. معنایش این است که اگر به حد ۵۰ سال نرسید، این باید عده نگه دارد. ثلاث یتزوجن علی کل حال نیستش. این معنایش این هست که هنوز به آن مماثلت مثلها لا تحیض نرسیده اگر ۵۰ سال نشده باشد. این خیلی روشن هست که ملاک را مماثلت در سن قرار داده که ایشان بحث را به یک شکل دیگری مطرح کرده خیلی مایة تعجب هست که چرا بحث را به این مدل مطرح کردند.

این یک نکته که این روایت چرا اصرار دارد به این‌که مثلها لا تحیض را بیاورد، اشاره به حکمت.

اما این‌که چرا حکمت حکم را اینقدر رویش تکیه می‌کند و اصرار می‌کند، تصورم این هست که این به خاطر رد کلام عامه است. عامه قائل هستند که زن صغیره هم صغیره و هم یائسه هر دو عده دارند. اینها استنادشان در عده داشتن می‌تواند، یعنی به آیة قرآن تمسک کردند. و آیة قرآن گفته «وَ اللاّئي يَئِسْنَ مِنَ الْمَحيضِ مِنْ نِسائِكُمْ إِنِ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلاثَةُ أَشْهُرٍ». زنانی که یائسه هستند با وجودی که یائسه هستند عدة سه ماهه برایشان ثابت کرده. آن وقت «إِنِ ارْتَبْتُمْ» را هم به معنایی که سید مرتضی هم در کلامش اشاره دارد، یعنی ان جعلتکم حکمهنّ معنا کردند. «وَ اللاّئي لَمْ يَحِضْنَ» که در ذیل آیه هست را هم اینجور معنا کردند، زن‌هایی که اصلاً حیض ندیدند آنها هم، آن عدة سه ماهه دارند. روایات ما می‌خواهد روی این نکته تکیه کند. حالا در مورد آیه من بعداً مفصل صحبت می‌کنم. روایات ما می‌خواهد روی این تکیه کند که موضوع این آیه زنانی هست که در سن، یعنی لا اقل ثابت نشده است که به سن یأس رسیدند. یا حتماً مثلهن تحیض هست یا لا اقل ثابت نشده که مثلهن تحیض آن و اللائی لم یحضن یعنی کسانی که حیض ندیدند، این موضوعش زنی هست که خصوص این زن حیض ندیده و الا مماثل‌هایش حیض دیدند. این حیض ندیدن مربوط به این است و الا به سنی رسیده که مثلهن تحیض. روایات ما در واقع ناظر به این هست که، ناظر به تفسیر آیة قرآن هست. این دو عنوانی که در آیة قرآن اخذ شده، این دو عنوان در مورد زنی که قطعاً به سن یأس رسیده است نیست. و زنی که قطعاً صغیره هست نیست. نه، زن صغیره، زنی که ولو حیض ندیده ولی کبیره هست او را این روایات ناظر هست. به خصوص در مورد «وَ اللاّئي لَمْ يَحِضْنَ» نکته‌ای هست که من این را در جلسات بعد در موردش صحبت می‌کنم. ناظر به یک معنا متعارف‌هایی که دخول در موردشان انجام می‌شود. «وَ اللاّئي لَمْ يَحِضْنَ» زنی که دخول به آن انجام بشود این مربوط به زن‌های مدخوله است، زن‌های مدخوله زنی هست که ناظر به صورتی که عمل محرّمی انجام شده نیست. در موردش جلسات بعد توضیح خواهیم داد. به نظر می‌رسد که این روایات، دو تقریب، یا ناظر مستقیماً می‌خواهد حکمت جعل را بیان کند یا حکمت جعل را برای این بیان می‌کند که نفی مبنای عامه را بکند که در مورد صغیره و در مورد یائسة اصطلاح شرعی قائل به عده هستند. ائمة معصومین علیهم السلام می‌خواهند روی این نکته تکیه کنند که حکم شرعی، اوّلاً حکم شرعی تحیّض و عدم تحیّض درش دخالت دارد. اینجور نیست که حیض دیدن و حیض ندیدن دخالت نداشته باشد. حکم عده صرفاً یک حکم تعبدی محض نیست. یک حکمی هست که نکتة تکوینی در آن دخالت دارد. تحیّض و عدم تحیض. که این تحیّض و عدم تحیّض در حامله شدن و حامله نشدن تأثیر دارد و دخالت دارد. این را اوّلاً می‌خواهند بیان کنند. ولی این تحیّض و عدم تحیّض، ملاک تحیّض و عدم تحیّض شخصیه نیست. عدم تحیّض و عدم تحیّض شخصیه نیست، بلکه تحیّض و عدم تحیّض نوعی هست و این تحیّض و عدم تحیّض نوعی را شارع مقدس با سن خاص محدوده‌اش را معین کرده. گفته که کمتر از ۹ سال باشد تحیّض نیست، یعنی چون شارع گفته حیض نمی‌بیند. یعنی آن خونی را که قبل از ۹ سال هست و خونی که بعد از ۵۰ سال هست، چون شارع این را حیض قرار نداده است در نتیجه این باعث شده است که ملاک آن سنی که شارع زن را در آن سن حائض نمی‌داند، حالا چه قبل از ۹ سال باشد چه بعد از ۵۰ سال باشد، بعد از رسیدن به سن یأس باشد، این را شارع مقدس موضوع بر نفی العدة قرار داده است. این روایت علتی که اینجوری بیان کردند، اشاره به همین هست که مراد موضوع نفی عده عدم تحیض هست ولی نه عدم تحیض شخصیه، عدم تحیض نوعیه به آن نحوی که شارع مقدس این عدم تحیض نوعیه را محدود کرده و برایش حد تعیین کرده. که آن حد، حد کمتر از ۹ سال و بیشتر از ۵۰ سال هست. و این اصلاً ربطی به بیان آقای مؤمن ندارد، بلکه دقیقاً برعکس این روایت خیلی واضح هست که ملاک کمتر از ۹ سال و بالاتر از ۵۰ سال هست، بنابراین اگر زنی در فاصلة بین ۹ سال و ۵۰ سال باشد، ولو این‌که حیض نبیند، ولی چون ملاک تحیض شخصی نیست، عدم تحیّض شخصی نیست، ولو شخصاً حیض نمی‌بیند، ولی چون در این فاصله قرار دارد، این عدم تحیّض نوعیه را ندارد، عدم تحیّض نوعیه یعنی عدم وقوع در سنی که شارع به عدم حیضیت زن در آن سن حکم کرده وجود ندارد، بنابراین این باید عده نگه دارد، این ثلاثٌ یتزوجن علی کل حال این مفهوم دارد، در مقام حصر است. یعنی زن‌های دیگری که داخل در یکی از این عناوین نیستند اینها باید عده نگه دارند. پس از این جمله استفاده می‌شود، زنی که مدخوله هست، داخل در التی لم یدخل بها نیست. از آن طرف کمتر از ۹ سال هم نیست، بالاتر از ۵۰ سال هم نیست. در این فاصله هست هیچ یک از این عنوان‌های ثلاث برایش صدق نمی‌کند این شخص باید عده نگه دارد. اطلاق این روایت مورد مرئه‌ای که رحمش را در آورده باشند به روشنی اطلاقش این مورد را می‌گیرد وجهی ندارد که به این روایت آن گونه‌ای که آقای مؤمن تمسک کردند ما تمسک کنیم. دقیقاً این روایت کالنص هست بر خلاف معنایی که آقای مؤمن به آن تمسک کردند.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد

پایان